

بررسی روند فقر و علت‌های آن در خانوارهای روستایی طی سال‌های ۱۳۶۲-۹۱

محمد مولایی^{*۱}

تاریخ دریافت: ۲۸ فروردین ۱۳۹۳

تاریخ پذیرش: ۱۸ تیر ۱۳۹۳

چکیده

یکی از شاخص‌های رفاه اقتصادی خانوارها، چگونگی ترکیب کالاهای مصرفی آنهاست. هدف از این مقاله، پاسخ به این سؤال است که آیا ترکیب کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۷۴-۹۱ نسبت به دوره زمانی ۱۳۶۲-۷۳ بهبود یافته یا بدتر شده است؟ به این منظور، با استفاده از اطلاعات مرکز آمار ایران در خصوص سهم هزینه شش گروه از کالاهای خوراکی و دخانی و هفت گروه از کالاهای غیرخوراکی در سبد خانوارهای روستایی، کشش درآمدی تقاضای کالاهای مربوط در دو مقطع زمانی فوق با روش داده‌های تابلویی تخمین زده شد. نتیجه‌های تحقیق حاکی از آن است که طی دوره زمانی ۱۳۷۴-۹۱، سهم و ضریب اهمیت کالاهای اساسی خوراکی در سبد مصرفی خانوارها کاهش یافته و سهم هزینه مسکن، بهداشت و درمان و حمل‌ونقل افزایش یافته است. علاوه بر آن، بیشتر کالاهای مهم و اساسی در سبد خانوارهای روستایی از حالت ضروری به لوکس درآمده‌اند و این امر نیز ناشی از فشار اقتصادی و بدتر شدن وضعیت مصرف آنهاست.

کلیدواژه‌ها: منحنی انگل، کشش درآمدی تقاضا، خانوارهای روستایی ایران، کالاهای خوراکی و غیرخوراکی.

۱- استادیار دانشگاه بوعلی سینا، گروه اقتصاد.

(* - نویسنده مسئول: mowlaei.mohammad@gmail.com)

مقدمه

یکی از شاخص‌های رفاه اقتصادی خانوارها، چگونگی ترکیب کالاهای مصرفی آن‌ها در طی زمان است. توزیع مناسب و عادلانه مصرف کالاها و خدمات بین خانوارها از جمله شاخص‌های مهم عدالت در زمینه رفاه اقتصادی خانوارها محسوب می‌شود؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیمی بین مصرف خانوارها با رفاه اقتصادی آن‌ها وجود دارد، به طوری که رفاه اقتصادی افراد، به نوع مصرف کالاها، مختلف و میزان این کالاها بستگی دارد. گرچه بسیاری از کالاهای مصرفی اساسی خانوارهای روستایی مشابه خانوارهای شهری است، لیکن به دلیل اختلاف در آمد و همچنین خصوصیت‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت، الگوی مصرف خانوارهای روستایی مشابه خانوارهای شهری نیست. ضمن آنکه بنا بر مطالعه‌های مختلف انجام شده، ترکیب کالاهای مصرفی خانوارهای شهری و روستایی متفاوت است. چارلیر، مل لنبرگ و ون سوئست^۱ (۲۰۰۱) با استفاده از مدل‌های نیمه لگاریتمی و پانل دیتا وضعیت مصرف مالکان و مستأجران را در هلند طی سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۹ مطالعه کردند که نتیجه‌های تحقیق بیانگر تفاوت اساسی بین مصرف مستأجران و مالکان در مدل‌های فوق بود. لیوبل و کالج^۲ (۲۰۰۶) چگونگی تغییر مخارج کالا و خدمات با تغییر سطح درآمد افراد را با استفاده از منحنی انگل بررسی کرد؛ نتیجه‌ها نشان داد که منحنی انگل به خصوصیت‌های جمعیتی نیز وابسته است، همچنین، منحنی انگل برای برخی کالاها خطی و برای برخی دیگر غیرخطی به دست آمد که امکان بررسی بهتر اینکه کدام گروه دارای مخارجی لوکس، ضروری و پست هستند، فراهم شد.

برون^۳ و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با نام کشش هزینه برای خانوارهای روستایی در بخش امبو، امبولو و کوازولا- ناتال آفریقای جنوبی، اقدام به بررسی اثر شوک درآمدی بر هزینه خانواده و افزایش تقاضای بالقوه در روستاهای فوق در دوره زمانی اکتبر ۲۰۰۴ تا مارس ۲۰۰۵ کرد و بر آن اساس، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های زیربنایی را به منظور کاهش کشش درآمدی مصرف‌کنندگان نسبت به شوک درآمدی پیشنهاد می‌کنند. لی^۴ (۲۰۰۹)، با استفاده از داده‌های بررسی نمونه‌ای هند در دوره ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۵ با به کارگیری منحنی انگل رابطه بین مصرف خانوارها و سطح رفاه آنان را بررسی کرد؛ نتیجه‌های وی نشان داد که در طی دوره مطالعه شده، رفاه ناشی از مصرف مواد غذایی بیش از مقدار حقیقی مخارج مواد غذایی اندازه‌گیری شده، افزایش یافته است.

1- Charlier, Melenberg & Van Soest

2- Lewbel & College

3- Browne

4- Li

کاگلایان، ابرو و آستار ملک^۱ (۲۰۱۲)، از مدل‌های انگل برای برآورد میزان مصرف غذا و پوشاک در خانوارهای ترکیه استفاده کردند و نشان دادند این کالاها، کالاهای ضروری محسوب می‌شوند، بنابراین مالیات برای آن‌ها باید به گونه‌ای باشد که درآمد گروه‌های کم‌درآمد را کمتر تحت تأثیر قرار دهد.

در حال حاضر، بنا بر آمار سال ۱۳۹۰، جمعیت روستایی کشور ۲۸/۵ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در کشور ما نیز الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی متفاوت بوده، بنابراین مطالعه وضعیت مصرف و همچنین رفاه اقتصادی آن‌ها دارای اهمیت بسیاری است. در این خصوص، محمدی‌راد (۱۳۷۴)، با استفاده از اطلاعات سری زمانی هزینه و درآمد خانوارهای شهری استان مازندران در دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۴۴، اقدام به تخمین چهار مدل انگل لگاریتم مضاعف، هزینه‌خطی، لگاریتم جمع‌پذیر و هذلولی برای چهار گروه کالایی غذا، پوشاک، مسکن و دیگر کالاها کرده است. پس از محاسبه کثرت درآمدی تقاضا و مقایسه نتیجه‌ها، اختلاف چندانی در شهرهای استان مازندران با شهرهای کل کشور مشاهده نشد. غروی نخجوانی (۱۳۸۴) اقدام به بررسی کالاهای خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های ۸۲-۱۳۶۱ کرد و با محاسبه و مقایسه درصد تغییر مصرف اقلام بودجه به درصد تغییر درآمد خانوارهای شهری و روستایی در دهک‌های هزینه در سال ۱۳۸۲، به این نتیجه رسید که کاهش سهم مخارج خوراکی بودجه خانوارهای ایرانی، نه به سبب تغییر وضعیت معیشت مردم، بلکه ناشی از وجود فشارهای اقتصادی در کشور بوده است. به عبارت دیگر، خانوارهای ایرانی مصرف کالاهای خوراکی را به بهای جبران کسری بودجه و فشار زندگی طی سال‌های بررسی شده کاهش داده‌اند. رشیدشمخال و جعفری صمیمی (۱۳۸۹) رابطه بین درآمد و مخارج گروه‌های کالا و خدمات را برای خانوارهای شهری و روستایی در طی دوره ۸۱-۱۳۵۱ با استفاده از یک الگوی غیرخطی برآورد کردند. نتیجه‌ها حاکی از آن است که در این دوره در شهرها و روستاها، مواد غذایی و دخانی، کالاهایی ضروری هستند، در حالی که مسکن برای تمامی خانوارها در این دوره، کالایی لوکس محسوب می‌شده است. در این دوره، درصد تغییر هزینه‌های خوراکی خانوارها نسبت به درصد تغییر کل مخارج خانوارها در استان خراسان در مقایسه با کل کشور - هم در شهرها و هم در روستاها - کمتر بوده است. ابریشمی و همکاران (۱۳۹۲) از طریق تابع رفاه اجتماعی به محاسبه وزن رفاهی دهک‌های درآمدی در ایران، با استفاده از مطلوبیت نهایی درآمد یا مصرف و روش حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) پرداخته‌اند. نتیجه‌های تحقیق بیانگر آن است که گرچه مصرف سرانه واقعی هریک از دهک‌های درآمدی متفاوت است، لیکن افزایش یکسان مصرف سرانه تأثیر متفاوتی بر رفاه اجتماعی دارد؛ بنابراین،

انتخاب وزن‌های رفاهی مناسب در تخصیص منابع بین دهک‌های درآمدی به‌منظور افزایش رفاه اجتماعی باعث افزایش سودمندی در بُعد‌های مختلف (کارایی و توزیعی) می‌شود.

هدف از مطالعه حاضر، بررسی سهم و ترکیب کالاهای مصرفی خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۶۲ به‌عنوان شاخصی برای ترسیم وضعیت فقر آن‌هاست. در طی این دوران، تغییرهای عمده‌ای در اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور به‌وجود آمده که به‌تبع آن، سطح زندگی خانوارهای روستایی نیز دچار تغییر شده و این امر در وضعیت مصرفی آن‌ها نیز تأثیر گذاشته است؛ بنابراین، در این پژوهش، به‌دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا وضعیت مصرف خانوارهای روستایی ایران و به‌تبع آن، وضعیت فقر آن‌ها طی سال‌های بررسی شده بهبود یافته یا بدتر شده است؟ بدیهی است که با شناخت وضعیت مصرف روستاهای کشور، برنامه‌ریزان اقتصادی و مجریان طرح‌های تولیدی قادر خواهند بود به سطح و شکل مصرف جامعه پی ببرند و در نتیجه، بهتر می‌توانند برای تخصیص منابع و عامل‌های تولیدی برنامه‌ریزی کنند. به‌علاوه، با تشخیص نوع کالاها به‌پست، ضروری و لوکس در جامعه، دولت قادر خواهد بود که در سیاست‌گذاری‌های خود را برای تهیه و توزیع کالاهایی که بیشتر مردم از آن‌ها به‌طور دائم استفاده می‌کنند، به‌شکلی صحیح تصمیم‌گیری و درباره‌ی تعلق گرفتن یا نگرفتن یارانه بر این کالاها به نفع گروه‌های کم-درآمد، تصمیم‌گیری کند.

بررسی سهم کالاهای خوراکی و غیرخوراکی در سبد مصرفی خانوارهای روستایی ایران

سهم هزینه کالاهای در سبد مصرفی خانوارها بیانگر میزان اهمیتی است که خانوارها برای کالاهای و خدمات مصرفی خود قائل هستند. از آنجا که آمار مقدار مصرف کالاهای خانوارها در دسترس نیست، ارزش پولی صرف شده برای کالاهای و خدمات به‌عنوان معیاری برای درجه اهمیت استفاده از آن‌ها به کار می‌رود؛ بنابراین، افزایش یا کاهش و همچنین مصرف کالاهای در سبد مصرف خانوارها طی یک دوره زمانی نشان از تغییر زندگی آنان دارد و می‌تواند ملاک قضاوت درباره‌ی تغییر الگوی مصرف و بهبود یا بدتر شدن فقر در خانوارها باشد. گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد سهم هزینه خوراکی خانوارهای روستایی طی سی سال گذشته از ۴۹/۸ درصد در سال ۱۳۶۲، به ۴۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش و سهم کالاهای غیرخوراکی آن‌ها از ۵۰/۲ درصد به ۵۷/۷ درصد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۶۲ و ۱۳۹۱). چنین تغییری به‌ظاهر مطلوب به نظر می‌رسد و می‌تواند نشان از بهبود زندگی آن‌ها باشد، لیکن این قضاوت پیش از بررسی چگونگی مصرف ترکیب کالاهای خانوارها اندکی شتاب‌زده است. جدول (۱)، سهم و ضریب اهمیت مصرف کالاهای مختلف را در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۹۱ نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، سهم آرد، رشته، نان و

فرآورده‌های آن، از ۱۵/۶ درصد در سال ۶۲ به ۱۰/۶ در سال ۹۱، سهم گوشت از ۱۱/۵ به ۹/۶ در صد، و سهم روغن و چربی‌ها از ۱/۲ به ۰/۰۶ در صد در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است. کاهش سهم کالاهای مذکور را می‌توان ناشی از کاهش درآمد واقعی خانوار، در نتیجه افزایش قیمت‌ها و تورم بیان کرد و این امر از نظر رژیم غذایی، برای خانوارهای ایرانی چندان مطلوب نیست، زیرا مصرف کم کربوهیدرات، پروتئین و چربی منجر به سوء تغذیه خانوارها می‌شود و اثر سوء در سلامتی آن‌ها خواهد داشت.^۱

در ارتباط با مصرف کالاهای غیرخوراکی، سهم هزینه مسکن از ۲۱/۱ درصد در سال ۶۲ به ۱۶/۲ درصد در سال ۹۱، بهداشت و درمان از ۴ به ۸/۱ درصد، حمل‌ونقل و ارتباطات از ۶ به ۱۱/۶ درصد، تفریح، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی از ۱/۱ به ۱/۹ درصد و کالاهای و خدمات متفرقه از ۶/۷ به ۷/۹ درصد در سال ۹۱ افزایش؛ لیکن سهم پوشاک و کفش از ۲۱/۳ به ۶/۳ و لوازم و اثاثیه و کالاهای ضروری خانوار از ۸ به ۵/۷ درصد در سال ۹۱ کاهش یافته است. چنانکه ملاحظه می‌شود، مسکن بیشترین سهم را در هزینه خانوارهای روستایی در سال ۱۳۹۱ داشته است و افزایش آن نسبت به سال ۱۳۶۲، بیانگر افزایش قیمت مصالح ساختمانی و زمین در روستاها، همانند شهرهاست (ظہیر نیا، ۱۳۸۸). افزایش هزینه بهداشت و درمان، گرچه از یک طرف بیانگر توجه خانوارهای روستایی به سلامت خود و هزینه کردن بیشتر برای آن است، لیکن افزایش هزینه‌های درمانی نیز در افزایش سهم هزینه بهداشت و درمان در سبد مصرفی خانوارها مؤثر بوده است. افزایش سهم هزینه حمل‌ونقل و ارتباط، تفریح، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی و کالا و خدمات متفرقه در سبد مصرفی خانوارها در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۶۲ نیز چندان دور از واقعیت نیست، زیرا طی ۳۰ سال گذشته، قیمت این کالاها رو به افزایش بوده است و سهم بیشتری در هزینه خانوارهای روستایی داشته است. در ضمن سهم پوشاک و کفش و لوازم، اثاثیه، کالاهای ضروری و خدمات خانوارهای روستایی در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۶۲ کاهش یافته است و این امر بیانگر مصرف کم این کالاها و جایگزینی کالاهای مصرفی با اهمیت‌تر خانوارهای روستایی است؛ البته، افزایش چشمگیر قیمت کالاهای فوق نیز در کاهش مصرف این کالاها مؤثر بوده است. به‌طور خلاصه، از مقایسه تغییر سهم هزینه کالاهای مصرفی خانوارها در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۶۲ چنین نتیجه گرفته می‌شود که بهبودی در رفاه خانوارهای روستایی طی سی سال گذشته رخ نداده است، البته برای قضاوت دقیق‌تر، بهتر است رابطه بین درآمد و هزینه کالاهای مصرفی خانوارها را بررسی کرده و با محاسبه کسش درآمدی تقاضای کالاهای مصرفی، میزان حساسیت مصرف کالاها را نسبت به درآمد

۱- بنا بر آمار منتشره توسط انستیتوی تغذیه ایران، متوسط نیاز بدن به مصرف کربوهیدرات‌ها ۵۵ درصد، پروتئین ۲۰ درصد و چربی‌ها ۲۵ درصد است و کمتر از آن باعث سوء تغذیه می‌شود (WWW.Daneshnameh.Rosh.ir).

خانوارهای روستایی تجزیه و تحلیل کنیم. برای این منظور، ابتدا مبانی نظری تحقیق درباره منحنی انگل را مطالعه می‌کنیم.

جدول ۱- مقایسه سهم هزینه کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۹۱

ردیف	شرح کالا	سهم هزینه کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی در سال ۱۳۶۲	سهم هزینه کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی در سال ۱۳۹۱
۱	آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن	۱۵/۶	۱۰/۶
۲	گوشت	۱۱/۵	۹/۶
۳	شیر و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان	۶/۸	۴/۴
۴	روغن‌ها و چربی‌ها	۱/۲	۰/۰۶
۵	میوه‌ها و سبزی‌ها	۵/۴	۶
۶	دیگر کالاهای و دخانیات	۹/۳	۱۱/۷
۷	مسکن	۱۲/۱	۱۶/۲
۸	پوشاک و کفش	۱۲/۳	۶/۳
۹	لوازم، اثاثیه، کالاهای ضروری و خدمات خانوار	۸	۵/۷
۱۰	بهداشت و درمان	۴	۸/۱
۱۱	حمل و نقل و ارتباطات	۶	۱۱/۶
۱۲	تفریح، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی	۱/۱	۱/۹
۱۳	کالاهای و خدمات متفرقه	۶/۵	۷/۹

مأخذ: محاسبه‌های تحقیق و گزارش‌های مرکز آمار ایران ۱۳۶۲ و ۱۳۹۱.

روش تحقیق

کشش درآمدی تقاضای یکی از معیارهایی است که بر اساس آن می‌توان ترکیب کالاهای مصرفی خانوارها را به صورت لوکس، ضروری و پست تقسیم کرد. هرگاه کشش درآمدی خانوار بزرگ‌تر از یک باشد، کالای مربوط، کالای لوکس، اگر کوچک‌تر از یک و بزرگ‌تر از صفر باشد، کالای مربوط، ضروری و اگر کمتر از صفر باشد، کالای مربوط، کالای پست است (چای و مونتئا، ۲۰۱۰). یکی از راه‌های محاسبه کشش درآمدی

تقاضا، استفاده از تابع‌های انگل است. منحنی انگل، مقادیر مختلفی از یک کالا را که مصرف‌کننده حاضر است در مقادیر مختلفی از درآمد خود با فرض ثابت بودن قیمت‌ها خریداری کند، نشان می‌دهد. با استفاده از تابع‌های انگل می‌توان کشش درآمدی تقاضای کالاها را محاسبه و با کمک آن، کالاها را به لوکس، ضروری و پست تقسیم کرد. همچنین از آنجا که بُعد خانوار در برخی هزینه‌ها (به‌خصوص مخارج کالاهای خوراکی و غیرخوراکی) مؤثر واقع می‌شود، بنابراین بُعد خانوار هم در تابع انگل و کشش درآمدی تقاضا وارد می‌شود. براین اساس، تابع انگل با وارد کردن بُعد خانوار به صورت زیر است:

$$Y = g(X, H) \quad (1)$$

که در آن Y هزینه کالاهای مصرفی خانوار، X درآمد (مخارج) کل خانوار و H بُعد خانوار است.

تابع انگلی که عموماً در محاسبه کشش درآمدی تقاضا به کار می‌رود، تابع پیشنهادی پرایس و هاتکر (۲۰۰۸) است، یک تابع انگل تمام لگاریتمی است که در آن ضریب‌های متغیرها، کشش‌های مربوط را اندازه می‌گیرد (همان). در ضمن، با پذیرفتن فرض همگنی درجه یک در تابع انگل، ابتدا لازم است کلیه اقلام مختلف هزینه هر گروه بر متوسط بُعد خانوار همان گروه تقسیم و هزینه سرانه خانوار محاسبه شود که در چنین حالتی، مشکل وجود هم‌خطی بین درآمد و بُعد خانوار از بین می‌رود. با توجه به اینکه، آمار درآمد خانوارها در دسترس نیست، محققانی از جمله آلن^۱ و بولی^۲ به‌طور تقریبی استفاده از هزینه کل خانوارها را به‌جای درآمد کل پیشنهاد می‌کنند. آن‌ها معتقدند که به علت چسبندگی مصرف، میزان مخارج مصرفی بسیار باثبات‌تر از میزان درآمد قابل تصرف در طول زمان حرکت می‌کند. از این رو، تعمیم روند حرکت این داده از گذشته به آینده برای پیش‌بینی، بسیار منطقی‌تر از تصور ثبات نحوه حرکت و یا روند درآمدهاست (همان).

جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به روش اسنادی و تحلیل داده‌های ثانوی است. منابع اطلاعاتی استفاده شده، نتیجه‌های تفصیلی آمارگیری از هزینه درآمد خانوارهای روستایی در سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۹۱ است که همه‌ساله مرکز آمار ایران آن را منتشر می‌کند. برای تخمین و تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش پانل دیتا استفاده می‌شود و از نرم‌افزار کامپیوتری Eviews⁷ استفاده شده است. وضعیت مصرف خانوارهای روستایی بر اساس ۱۳ گروه کالایی صورت گرفته است که شامل شش گروه کالاهای خوراکی و دخانی خانوارهای روستایی شامل: آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن؛ گوشت؛ شیر و فرآورده‌ها و تخم

پرندهگان؛ روغن‌ها و چربی‌ها؛ میوه‌ها و سبزی‌ها؛ و دیگر ترکیب‌های خوراکی و دخانی (خشکبار، حبوبات، قند و شکر، انواع شیرینی‌ها و مرباها، چای، قهوه و کاکائو، ادویه‌ها، چاشنی‌ها، انواع نوشابه، غذاهای آماده و تنقلات و دخانیات) و هفت گروه از کالاهای غیرخوراکی شامل: پوشاک و کفش؛ مسکن؛ لوازم، اثاثه، کالاهای ضروری و خدمات خانوار؛ بهداشت و درمان؛ حمل و نقل و ارتباطات؛ تفریح، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی؛ و کالاها و خدمات متفرقه خانوار است.

از آنجا که آمار مربوط به شاخص قیمتی مصرف‌کننده برای کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی از سال ۱۳۶۲ در دسترس است، سال شروع این پژوهش به ۱۳۶۲ معطوف شده است و سال ۱۳۹۱، آخرین سالی است که آمار آن برای تحقیق در دسترس بود. از سوی دیگر، برای مقایسه ترکیب کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی، دو برهه زمانی ۱۳۶۲-۷۳ و ۱۳۷۴-۹۱ انتخاب شده است. بر این اساس، این مطالعه می‌کوشد تا تغییرهای صورت گرفته در کسب درآمدی گروه‌های مختلف کالا و خدمات خانوارهای روستایی را در طی این دو دوره با یکدیگر مقایسه کند. دلیل انتخاب این دو برهه زمانی آن است که دوره زمانی ۱۳۷۳-۱۳۶۲، مواجه با جنگ تحمیلی، اجرای ناموفق چند برنامه عمرانی در بعد از انقلاب و بالاخره اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۷۲-۱۳۶۸) بوده و بدیهی است که تغییرهای فوق در زندگی معیشتی خانوارهای شهری و روستایی مؤثر بوده است، همچنین در دوره زمانی ۱۳۷۴-۹۱، سه برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به اجرا در آمده است و مسلماً این برنامه‌ها در زندگی روستائیان از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بوده است.^۱

نتیجه و بحث

همان‌گونه که در بخش قبل اشاره شد، روش تخمین داده‌ها در این مطالعه، روش داده‌های تابلویی (panel data) است. برای این منظور، لازم است ابتدا آزمون‌های مختلف برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب انجام شود. جدول (۲) نتیجه‌های آزمون ریشه واحد برای بررسی مانایی متغیرها با استفاده از آزمون ایم-پسران و شین^۲ را نشان می‌دهد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آماره محاسبه شده برای تمام کالاها بزرگ‌تر از آماره جدول است، بنابراین فرض صفر مبنی بر نامانای بودن داده‌ها رد می‌شود و همه داده‌های استفاده شده مانا هستند، همچنین از آزمون F

۱- برنامه پنجم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور نیز از سال ۱۳۹۰ شروع و دو سال از آن نیز سپری شده است.

2- Im. Pesaran and Shin (2003)

لیمر^۱ برای انتخاب بین داده‌های ادغام شده^۲ یا داده‌های تابلویی^۳ استفاده شد. نتیجه‌های آزمون برای تمام کالاها بیانگر بزرگ‌تر بودن F لیمر از F جدول (F=۱/۶۱) در سطح ۹۵ درجه اطمینان بود، بنابراین فرض صفر (یعنی یکسان بودن عرض از مبدا) رد می‌شود و می‌توان در این تحقیق از روش داده‌های تابلویی استفاده کرد. در ضمن برای انتخاب بین روش اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتیجه‌های این آزمون فرض صفر (اثرات تصادفی) را رد می‌کند، پس در این تحقیق، از روش اثرات ثابت (یعنی ثابت بودن عرض از مبداها) استفاده می‌شود.

جدول ۲- نتیجه‌های حاصل از آزمون ایم، پسران و شین

ردیف	شرح کالا	آماره آزمون	سطح احتمال	فرض H ₀
۱	آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن	۶۵/۹۵	۰/۰۰۰۰	فرض H ₀ رد می‌شود
۲	گوشت	۵۱/۸۱	۰/۰۰۰۱	فرض H ₀ رد می‌شود
۳	شیر و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان	۶۴/۹۶	۰/۰۰۵۶	فرض H ₀ رد می‌شود
۴	روغن‌ها و چربی‌ها	۴۵/۶۶	۰/۰۰۳۶	فرض H ₀ رد می‌شود
۵	میوه‌ها و سبزی‌ها	۳۸/۴۷	۰/۰۰۷۷	فرض H ₀ رد می‌شود
۶	سایر کالاهای خوراکی و دخانی	۶۷/۹۱	۰/۰۰۵۵	فرض H ₀ رد می‌شود
۷	پوشاک و کفش	۴۳/۰۳	۰/۰۰۲۰	فرض H ₀ رد می‌شود
۸	مسکن	۶۷/۲۲	۰/۰۰۳۲	فرض H ₀ رد می‌شود
۹	لوازم، اثاثیه، کالاهای ضروری و خدمات خانوار	۵۶/۵۶	۰/۰۰۱۷	فرض H ₀ رد می‌شود
۱۰	بهداشت و درمان	۴۶/۹۵	۰/۰۰۰۶	فرض H ₀ رد می‌شود
۱۱	حمل و نقل و ارتباطات	۵۶/۸۶	۰/۰۰۵۰	فرض H ₀ رد می‌شود
۱۲	تفریح، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی	۴۲/۸۱	۰/۰۰۳۱	فرض H ₀ رد می‌شود
۱۳	کالاها و خدمات متفرقه خانوار	۵۶/۲۷	۰/۰۰۶۲	فرض H ₀ رد می‌شود

مأخذ: محاسبه‌های تحقیق.

در این خصوص، ابتدا تابع انگل برای ۱۳ کالای خوراکی و غیرخوراکی در هریک از دوره‌های زمانی بررسی شده، تخمین زده، سپس کشش درآمدی تقاضای آن‌ها محاسبه و بر این اساس، کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی به کالاهای لوکس، ضروری و پست تقسیم می‌شوند.

1- F leamer
2- Pooling data
3- panel data

جدول ۳- تخمین تابع‌های انگل برای کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی ایران (۷۳-۱۳۶۲)

ردیف	کالای مصرفی خانوار	کشش درآمدی تقاضا	D.W آماره	F آماره	R ² آماره	نتیجه‌های برآورد		طبقه‌بندی کالا
						تابع انگل*	عرض از مبدأ	
۱	آرد، رشته، نان، و فرآورده‌های آن	۰/۷۱	۲/۰۵	۵۰/۲۵	۰/۹۷	۱/۱۶ (۱/۴۴)	۰/۷۱ (۹/۸۹)	ضروری
۲	گوشت	۰/۹۳	۲/۲۱	۸۹/۴۱	۰/۹۸	-۱/۵۴ (-۵/۱۶)	۰/۹۳ (۳۵/۲)	ضروری
۳	شیر و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان	۰/۴۴	۲/۱۱	۸۷/۵۹	۰/۸۷	۳/۶۷ (۲/۲۹)	۰/۴۴ (۳/۰۹)	ضروری
۴	روغن‌ها و چربی‌ها	۱/۲۷	۲/۹۹	۱۲۲/۸۱	۰/۹۹	-۸/۰۲ -۳۲/۰۲ ()	۱/۲۷ (۵۶/۹)	لوکس
۵	میوه‌ها و سبزی‌ها	۰/۲۳	۲/۱۹	۱۳۱/۹۷	۰/۹۱	-۵/۷ (-۱/۹۸)	۰/۲۳ (۲/۴۱)	ضروری
۶	دیگر ترکیب‌های خوراکی و دخانی	۱/۹۴	۲/۰۷	۲۵/۸	۰/۶۷	-۷/۳۱ (-۱/۹۸)	۱/۹۴ (۳/۳۹)	لوکس
۷	پوشاک و کفش	۱/۲۰	۱/۹۶	۵۵۹/۲۷	۰/۹۷	-۴/۲۷ (-۴/۹۸)	۱/۲ (۱۵/۷)	لوکس
۸	مسکن	۰/۲۸	۲/۰۷	۱۱۹/۸۰	۰/۹۰	۵/۹۷ (۶/۷۲)	۰/۲۸ (۳/۶۲)	ضروری
۹	لوازم، کالاهای ضروری، اثاثیه و خدمات خانوار	۲/۳۰	۱/۹۹	۱۳۹/۱۱	۰/۹۲	-۱۷/۴ -۱۰/۴۸ ()	۲/۳ (۱۶/۰۹)	لوکس
۱۰	بهداشت و درمان	۱/۲۹	۱/۹۴	۲۲/۳۷	۰/۷۴	۱۱/۶ (۶/۰۹)	۱/۲۹ (۲/۷۳)	لوکس
۱۱	حمل و نقل و ارتباطات	۱/۵۲	۲/۱۹	۱۷۰/۹۸	۰/۹۳	-۸/۹۹ (-۸/۷)	۱/۵۲ (۱۶/۷)	لوکس
۱۲	تفریح‌ها، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی	۲/۰۸	۲/۰	۱۰۲/۳۴	۰/۹۱	-۱۶/۶۴ (-۴/۷۴)	۲/۰۸ (۶/۴۴)	لوکس
۱۳	کالاهای و خدمات متفرقه	۱/۸۱	۲/۱	۲۹/۶۲	۰/۷۰	-۱۲/۱ (-۴/۳۳)	۱/۸ (۲/۳۱)	لوکس

مأخذ: محاسبه‌های تحقیق. * اعداد درون پرانتز مقادیر آماره t را نشان می‌دهد.

در همه تخمین‌ها، پارامترها به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ محاسبه شده است؛ همچنین به منظور بررسی واریانس ناهمسانی در الگوی داده‌های ترکیبی، از آزمون ضریب لاگرانژ استفاده می‌کنیم. فرضیه صفر در آزمون ضریب لاگرانژ بیانگر واریانس همسانی است. با توجه به اینکه برای دوره ۱۳۷۳-۱۳۶۲، فرض صفر برای کالاهای: گوشت، شیر و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان، روغن‌ها و چربی‌ها، میوه‌ها و سبزی‌ها، دیگر کالاهای خوراکی و دخانی، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل و ارتباطات و برای دوره ۱۳۹۱-۱۳۷۴، فرض صفر و برای کالاهای: آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان، دیگر کالاها خوراکی و دخانی، پوشاک و کفش، مسکن، حمل‌ونقل و ارتباطات، تفریح‌ها، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی رد شده است؛ بنابراین برای مدل کالاهای فوق، ناهمسانی واریانس وجود دارد که برای رفع آن، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۱ (GLS) استفاده و بدین وسیله واریانس ناهمسانی مدل برطرف شده است.

نتیجه‌های نهایی ناشی از تخمین مدل تحقیق، حاکی از آن است که تابع‌های انگل تمام لگاریتمی عموماً معنی‌دار بوده است، بنابراین بر اساس آن، کشش درآمدی تقاضا محاسبه و طبقه‌بندی خانوارهای روستایی انجام شده است (جدول ۴). همان‌طور که در جدول‌های (۳) و (۴) ملاحظه می‌شود، طی دوره ۷۳-۱۳۶۲، مسکن، گوشت، آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن، شیر و فرآورده‌های آن، تخم پرندگان و میوه‌ها و سبزی‌ها به‌عنوان کالای ضروری در سبد مصرفی خانوارهای روستایی بوده است، یعنی حساسیت مصرف کالاهای فوق در برابر تغییرهای درآمد خانوارها شدید نیست؛ لیکن، دیگر کالاها در سبد مصرفی خانوارها، به‌عنوان کالای لوکس محسوب می‌شوند، زیرا با افزایش درآمد، میزان مصرف این کالاها به شکل چشمگیری افزایش و با کاهش درآمد نیز، مصرف آن‌ها کاهش می‌یابد. در دوره زمانی ۹۱-۱۳۷۴، یعنی ۱۸ سال بعد، مسکن از حالت یک کالای ضروری به کالای لوکس برای خانوارهای روستایی تبدیل شده است؛ در ضمن بهداشت و درمان، لوازم، اثاثیه، کالاهای ضروری و خدمات خانوار، تفریح‌ها، سرگرمی‌ها و خدمات خانوار، حمل‌ونقل و ارتباطات، پوشاک و کفش، روغن‌ها و چربی‌ها و دیگر کالاهای خوراکی و دخانی، همچنان به‌عنوان کالای لوکس و گوشت، آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن، شیر و فرآورده‌های آن، تخم پرندگان و میوه‌ها و سبزی‌ها به‌عنوان کالای ضروری در سبد مصرفی خانوارهای روستایی قرار گرفته است. البته مقدار ضریب کشش درآمدی تقاضای این کالاها که بیانگر حساسیت بیشتر مصرف آن‌ها در برابر تغییرهای درآمد است، افزایش یافته است.

جدول ۴- تخمین تابع های انگل برای کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی ایران (۹۱-۱۳۷۴)

ردیف	کالای مصرفی خانوار	کشش درآمدی تقاضا	D.W آماره	F آماره	R ² آماره	نتیجه های برآورد		طبقه بندی کالا
						تابع انگل*	عرض از مبدأ	
۱	آرد، رشته، نان، و فرآورده های آن	۰/۱۸	۲/۰۴	۳۲۱/۴۷	۰/۹۹	۸/۰۲ (۵/۸۷)	۰/۱۸ (۴۶/۳۶)	ضروری
۲	گوشت	۰/۹۸	۲/۰۹	۳۳۶/۲۹	۰/۹۵	۷/۳۸ (۴۲/۲)	۰/۹۸ (۸/۷۶)	ضروری
۳	شیر و فرآورده های آن و تخم پرندگان	۰/۱۴	۲/۱۲	۱۷۰/۴	۰/۹۹	۷/۸۱ (۳۷/۴)	۰/۱۴ (۲/۶۴)	ضروری
۴	روغن ها و چربی ها	۱/۸۰	۱/۹۹	۱۴۲/۴۵	۰/۸۵	-۰/۱ (-۲/۰۶)	۱/۸ (۴/۸۴)	لوکس
۵	میوه ها و سبزی ها	۰/۹۱	۱/۹۹	۸۵/۸۴	۰/۸۵	۷/۳۹ (۲۱/۱)	۰/۹ (۳/۳۶)	ضروری
۶	دیگر ترکیب های خوراکی و دخانی	۱/۹۷	۲/۱۱	۹۴/۲۶	۰/۸۶	۴/۵۱ (۱۲/۲)	۱/۹۷ (۴/۸۱)	لوکس
۷	پوشاک و کفش	۱/۸۵	۱/۹۸	۳۲۷/۶۱	۰/۹۵	-۸/۲۳ (-۱۶/۸)	۱/۸۵ (۲/۰۴)	لوکس
۸	مسکن	۱/۲۲	۱/۹۳	۱۰۴/۸۶	۰/۸۷	۹/۱۷ (۴۶/۶)	۱/۲۲ (۲/۴۹)	لوکس
۹	لوازم، کالاهای ضروری، اثاثیه و خدمات خانوار	۲/۷۵	۲/۰۴	۱۶۰/۸۶	۰/۹۱	۴/۶۵ (۱۳/۸۴)	۲/۷۵ (۱۲/۸۶)	لوکس
۱۰	بهداشت و درمان	۱/۳۶	۱/۹۹	۶۱/۹۳	۰/۸۰	۴/۲۳ (۱۲/۰۶)	۱/۳۶ (۱۲/۵۲)	لوکس
۱۱	حمل و نقل و ارتباطات	۲/۷۲	۱/۹۰	۳۰۰/۱۲	۰/۹۵	۰/۴۱ (۲/۶۲)	۲/۷۲ (۱۳/۰۲)	لوکس
۱۲	تفریح ها، سرگرمی ها و خدمات فرهنگی	۲/۲۵	۲/۰۸	۱۱۱۵	۰/۹۸	۲/۶۹ (۷/۱۲)	۲/۲۵ (۱۲/۷۴)	لوکس
۱۳	کالاهای و خدمات متفرقه	۱/۹۰	۲/۰۹	۸۴/۹۷	۰/۸۴	۱/۷۳ (۱۲/۰۸)	۱/۹ (۱۲/۷۴)	لوکس

مأخذ: محاسبه های تحقیق. * اعداد درون پرانتز، مقادیر آماره t را نشان می دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مقایسه سهم هزینه کالاها و خدمات خوراکی و غیرخوراکی در سبد هزینه خانوارهای روستایی چنین نتیجه گرفته می‌شود که در سال ۱۳۹۱، سهم هزینه بیشتر کالاها به‌جز مسکن، بهداشت و درمان و حمل‌ونقل و ارتباطات، تفریح‌ها، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی و کالاها و خدمات متفرقه نسبت به سال ۱۳۶۲ کاهش یافته است. این امر بیانگر کاهش مصرف آن‌ها از کالاهای مذکور است. مهم‌ترین علت کاهش مصرف این کالاها، کاهش درآمد واقعی خانوارهای روستایی، افزایش قیمت‌ها و تورم و یا توان مالی کم آن‌ها برای خرید و مصرف کالاهایی است که سهم چشمگیری از درآمد را به خود اختصاص می‌دهد. لوکس بودن ۹ گروه از کالاهای خوراکی و غیرخوراکی و افزایش ضریب کسش درآمدی تقاضای همه کالاهای خوراکی و غیرخوراکی بیانگر کاهش رفاه و افزایش فقر در خانوارهای روستایی کشور است. این مسئله با کاهش سهم هزینه کالاهای خوراکی و افزایش سهم هزینه‌های غیرخوراکی (مانند: مسکن، بهداشت، حمل‌ونقل و ارتباطات، تفریح‌ها، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی و کالاها و خدمات متفرقه خانوارها) مطابقت دارد؛ یعنی خانوارهای روستایی مجبور به جابه‌جایی هزینه کالاهای خوراکی با کالاهای مهم و اساسی غیرخوراکی برای ادامه زندگی خود شده‌اند و این حالت در موقعیت فقر اقتصادی و در نتیجه فشارهای اقتصادی در خانوارها رخ می‌دهد. با توجه به اینکه کالاهای اساسی از قبیل: مواد خوراکی ضروری، مسکن، پوشاک و بهداشت و درمان، نقش فراوانی در سلامتی، آرامش خاطر و رفاه اقتصادی خانوارها ایفا می‌کند، مصرف آن‌ها در حد استاندارد ضروری به‌نظر می‌رسد، پس برنامه‌ریزی دولت برای استفاده از حداقل این کالاها برای خانوارها اجتناب‌ناپذیر است. پیشنهاد می‌شود دولت از طریق کنترل نرخ تورم، ایجاد اشتغال و اعطای یارانه‌ها به خانوارهای مستحق روستایی، به‌دنبال تثبیت قدرت خرید برای مصرف کالاهای خوراکی و غیرخوراکی اساسی آن‌ها باشد. اتخاذ سیاست‌هایی به‌منظور گران نشدن بی‌رویه قیمت مسکن و عامل‌های مرتبط با آن در روستاها، گسترش بیمه درمانی به‌منظور کاهش هزینه بهداشت و درمان و ایجاد تسهیلات برای استفاده از امور فرهنگی و آموزشی، به‌منظور کاهش هزینه‌های سرگرمی و خدمات خانوار از جمله کارهایی است که دولت باید برای بهبود رفاه اقتصادی و کاهش فقر در جامعه روستایی کشور انجام دهد.

کتابنامه

ابریشمی ح.، عبدلی ق.، کشاورزبان م. و صفی ف. (۱۳۹۲)، «محاسبه وزن رفاهی دهک‌های درآمدی در ایران»، رفاه اجتماعی، ۱۳: ۱۴۲-۱۱۵.

رشید شمخال ع. و جعفری صمیمی ا. (۱۳۸۹)، «برآورد منحنی انگل در خانوارهای کشور و استان گیلان

(۱۳۸۱-۱۳۵۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و فنون مازندران.

غروی نخجوانی س. ا. (۱۳۸۴)، «فقر در خانواده های ایرانی»، علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴: ۹۲-۱۱۹.

ظهیرنیا ر. (۱۳۸۸)، «مطالعه و مقایسه ترکیب کالاهای مصرفی خانوارهای روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۶۲»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

مرادی ح. (۱۳۸۶)، «بررسی و مقایسه ترکیب کالاهای مصرفی خانوارهای شهری ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۵۱»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی ایران در سال‌های ۹۱-۱۳۶۲، تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران، (۱۳۹۱)، سالنامه آماری کشور، تهران: مرکز آمار ایران.

محمدی رادع، (۱۳۷۴)، «کاربرد مدل‌های مختلف تقاضا برای الگوی مخارج خانوارها طی سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۳۴»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و فنون مازندران.

Baltagi Badi H. (1995). Economic analysis of panel data. New York. John Wiley and sons.

Browne M., Ortman G. F. and Hendriks S. (2007). Expenditures elasticities for rural households in the in the embo ward umbubulu, kwazulu-Natal. Agrekon. 46(4): 566-583.

Chai A. and Moneta A. (2010). Engle curves. Perspectives. 24: 225-240.

Charlire E., Melenberg B. and Van Soseet A. (2001). An analysis of housing expenditure using semi parametric models and panel data. Economics. 101(1): 71-107.

Caglayan E. and Astar M. (2012). An economic analysis of engel, s curve: household food and clothing consumption in turkey. Economic Sciences. 59: 313-319.

Lewbel A. and College B. (2006). Engel curves entry for the new palgrave dictionary of economics, 2nd edition. Boston College. 1-7.

Li N. (2009). An Engel curve for variety: household food consumption and welfare in india. Economics Research at UC Berkeley.

Daneshnameh.ROSH.IR. (2014). Available at [http:// Daneshnameh.ROSH.IR](http://Daneshnameh.ROSH.IR) (Last access: 2 April, 2014).

The Trend of Poverty and its Causes in Iranian Rural Households during 1983-2012

mohammad mowlaei*¹

Received: 17 April, 2014

Accepted: 9 July, 2014

Abstract

One of the household's economic welfare indices is their consumption mixture during a given period. The aim of this study is to answer this question that has the consumption mixtures of rural households been improved or worse during 1995-2012 compared to 1983-1995? To this end, using time series data on cost proportion of six food and seven non-food commodities, which are published by the Iranian Statistics Center, income elasticity of demand is estimated using panel data method. Using these estimates, commodities are classified into luxuries, necessities and inferiors. Results show that shares of food commodities are reduced and the shares of housing and health are increased in the rural households' consumption basket during 1995-2012. Results also show that most of basic commodities are changed from necessities to luxuries and thus, the rural households' welfare are worse than the previous period.

Key words: Engel curves, income elasticity, iranian rural households, food and non- food commodities.

1- Assistant Professor bo ali sina University, Iran.

(*- Corresponding author Email: mowlaei.mohammad@gmail.com)